

سیاست شهرسازی سلوکیان در سرزمین‌های مفتوحه

مه‌رناز به‌روزی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

mehrnaz_behroozi@yahoo.com

شناسه‌ی دیجیتالی (DOI): 10.22084/nbsh.2018.13715.1604

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳

(از ص ۱۰۵ تا ۱۲۴)

چکیده

سلوکیان که پس از مرگ اسکندر در متصرفات شرقی امپراتوری وی به قدرت رسیدند، برای اداره‌ی این قلمرو پهناور، نیاز به عناصری داشتند که بتوانند در مواقع ضروری بر آن‌ها تکیه کنند. پادشاهان این سلسله برای تحقق این هدف، شهرهایی را در سراسر سرزمین‌های مفتوحه، از جمله ایران، بین‌النهرین و سوریه احداث یا تجدید بنا نمودند. احداث این شهرها تغییرات عمده‌ای را در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مردمان آن نواحی به وجود آورد. این شهرها متناسب با فرهنگ یونانی ساخته شدند و حضور بازرگانان و سپاهیان یونانی و مقدونی موجب شد تا تفاوت عمده‌ای با شهرهای گذشته داشته باشند. هدف این تحقیق پاسخ به این پرسش‌ها است که سیاست شهرسازی سلوکیان در سرزمین‌های مفتوحه تابع چه عواملی بوده است و از سوی دیگر این سیاست چه تأثیری بر زندگی مردم ساکن در سرزمین‌های مزبور داشت؟ دلیل اصلی ساخت شهرهای جدید توسط دولت سلوکی چه چیزی بوده است؟ با بررسی این سیاست به نظر می‌رسد با احداث شهرهای جدید مردم این شهرها تحت تأثیر اهداف دولت سلوکی قرار می‌گرفتند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و بر مبنای متون مرجع، منابع تاریخی و تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه و نیز با تحلیل مطالب به‌روش علمی و استدلال منطقی مباحث متناقض مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که هر چند سلوکیان با هدف سلطه‌ی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اشاعه‌ی هلنیسم اقدام به شهرسازی در سرزمین‌های مفتوحه نمودند، اما در درازمدت به‌جز در مواردی اندک به این هدف نرسیدند و می‌توان اذعان داشت که فرجام آن برای سلوکیان موفقیتی در پی نداشت. مردم این شهرها هرگز نتوانستند حال و هوای شرقی خود را فراموش کنند و با مقاومت در همه‌ی ابعاد و هم‌چنین میل و علاقه‌ی آنان به فرهنگ بومی و تجربیات نیاکانشان، بعد از گذشت سال‌ها به حالت اول خود برگشتند.

کلیدواژگان: سلوکیان، مقدونیان، شهرسازی، ایران، هلنیسم.

مقدمه

پیدایش شهرها از آغاز تا به امروز از عوامل متعددی تأثیر پذیرفته است؛ عواملی چون اقتصاد، فرهنگ، جمعیت، هم‌چنین عوامل محیطی شامل: آب، هوا، ناهمواری‌های طبیعی و به‌طور کلی عناصر زیست‌طبیعی. این عوامل در چگونگی شکل‌گیری شهرها در تمام ادوار، مؤثر بوده‌اند.

اسکندر و سپاهیان او، در کمتر از ده سال، نظامی شاهنشاهی را برانداختند و یک دستگاه دیوانسالاری بین‌المللی را که بیش از دویست سال فعالیت داشت درهم شکستند (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۸). اسکندر بعد از فتح ایران به این نتیجه رسیده بود که برای حفظ دستاوردهای این پیروزی احتیاج به مستقر کردن پادگان‌های نظامی در بیشتر سرزمین‌های فتح شده دارد. همین مسأله او را واداشت در قلمرو خویش به‌ویژه ایالات دورافتاده‌ی شرقی که وصول به آن نواحی مستلزم عبور از بیابان‌های خشک و لم‌یزرع بود، شبکه‌ی بزرگی از شهرهای نو بنیاد احداث کند. این شهرها بیشتر در مناطق خاوری از جمله شرق ایران، آسیای میانه و هندوستان بود. ایجاد این شهرها در ایران بدین منظور انجام گرفت که مردم بومی این مناطق فرهنگ یونانی را فراگیرند و با این شیوه جامعه‌ای یکپارچه با افکار و عقاید یونانیان و مقدونیان پدید آورند (Rostovtzeff, 1941: 541). با حمله‌ی اسکندر به ایران و سقوط امپراتوری هخامنشی، مهاجرت یونانیان و مقدونیان به ایران رُخ داد و عناصر تازه‌ای در حیات شهری ایران وارد شده و نوعی درهم‌آمیختگی در شهرسازی و شهرنشینی ایرانی و یونانی، هم در ساختار و هم در حیات شهری ایجاد شد و شهرهایی با ماهیت خودگردان پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۲). شهرهایی که اسکندر در ایران بنا کرد شاید بتوان گفت، روستاهایی بودند برای اسکان سپاهیان مقدونی و یا مهاجران یونانی واقع در قلمرو پادشاهی اسکندر، که بعدها به دریافت عنوان و حق «پولیس» یا «دولت شهر» نائل گشتند (Snyder, 1966: 77). در واقع یکی از اقدامات مهم اسکندر و جانشینانش ایجاد یک دسته شهرها با یک نوع اداره‌ی جمهوری مانند بود. این شهرها نسبتاً خودمختار بوده و سنایی داشتند که امور داخلی آن‌ها را تنظیم می‌کرد (هوف، ۱۳۷۴: ۸).

بدین‌گونه، شهرهای جدید در جاده‌های مهم و سوق‌الجیشی احداث می‌شد و حلقه‌ی اتصال و ارتباط بین ساتراپی‌ها بود و در حقیقت سیاست شهرسازی اسکندر در وهله‌ی اول مبتنی بر مقاصد جنگی بود؛ زیرا، اسکندر بیشتر از همه یک فاتح جنگی بود تا یک نظریه‌پرداز اجتماعی و اقتصادی که طرح‌هایی برای اداره‌ی امپراتوری جهانی خود داشته باشد. بنابراین ایجاد شهرها و پادگان‌های نظامی برای او در درجه‌ی اول بیشتر برای مقاصد نظامی بود نه اقتصادی و دولتی (ایوانف و همکاران، ۱۳۵۹: ۱۲۲). این شهرها برای اسکندر در حکم زرادخانه‌های انسانی و نظامی به‌شمار می‌آمد و از طریق ایجاد این پادگان‌ها بین خود و مقدونیه پل مطمئن ارتباطی به‌وجود آورده بود. این شهرها بعد از فوت او تا مدت‌ها به‌عنوان پایگاهی برای سرکوب بومیان محلی پابرجا ماندند (Bevan, 1884: 17)؛ بنابراین شهرها جدا از وظایف نظامی که داشتند، به‌عنوان مراکزی برای تحکیم سلطه‌ی بیشتر یونانیان بر سرزمین‌های فتح شده محسوب می‌شدند (بیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۴: ۲۱). اسکندر علاوه بر سروسامان

دادن به شهرها و اقامتگاه‌های موجود، در سراسر امپراتوریش شهرهایی تأسیس کرد و اغلب نام خود را همانند اسکندریه مصر بر آن نهاد (هوف، ۱۳۷۴: ۹).

از سوی دیگر، به دلیل این‌که جمعیت مقدونیه به تنهایی احتیاج شدید اسکندر به نیروی انسانی برای کشورگشایی را برطرف نمی‌کرد، در اسکندریه و یک یا چند شهر دیگر که از آن به فاصله‌ی یک‌روز مسافت‌اند، هفت هزار تن بربر و سه هزار تن عمده و مزدور برای جنگیدن ساکن شدند. کورتیوس هم با دقت و صحت بیشتر، هفت هزار تن از سربازان قدیمی مقدونی و تعدادی از مزدبگیران بیکار را ذکر می‌کند (گوتشمید، ۱۳۵۶: ۳۱).

همراه با اهداف نظامی که اسکندر در سر می‌پروراند، تأسیس این شهرها به موازات آن از لحاظ بازرگانی و تجاری نیز برای دنیای غرب بسیار پربار بود. این مسأله باعث شده بود تا بازرگانان و تجاریونانی در زمینه‌ی آلات و ادوات نظامی به سمت شرق ایران توجه ویژه‌ای را مبذول دارند (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۴: ۴۹).

هزاران نفر از بازرگانان و پیشه‌وران یونانی به امید سود بیشتر در این مناطق به این شهرها مهاجرت کردند و رشته‌های جدیدی از فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی را در آن پدید آوردند و باعث توسعه‌ی مبادلات بازرگانی میان سرزمین‌های شرقی و یونانی شدند، و این مسأله از دید اسکندر مؤثرترین شیوه برای تحکیم نیروهای نظامی با استفاده از عوامل اقتصادی بود که در نهایت سلطه‌ی سیاسی را برای وی در برداشت (فرای، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

اسکندر با احداث شهرهای جدید و اسکان هم‌وطنانش در این شهرها باعث امتزاج دو فرهنگ می‌شد. مردم غالب و مغلوب با همدیگر مزاجت نمودند، زبان و خط یونانی در کنار زبان آرامی به کار می‌رفت (آقاسی، ۱۳۵۰: ۱۵۶).

این مسأله توسط جانشینان وی در ایران، یعنی سلوکیان نیز تداوم یافت. دوره‌ی سلوکی که این مقاله قصد پرداختن به آن را دارد، دوره‌ی تلفیق و ترکیب دو فرهنگ شهرنشینی و شهرسازی ایرانی و یونانی بر سرزمین‌های تصرف‌شده است. یکی از فعالیت‌های شهرسازی سلوکیان احداث شهرها و شهرک‌های نوین به سبک شهرسازی یونانی و با استفاده از شبکه‌ی شطرنجی «هیپوداموس» بوده که به منظور تحکیم قدرت و حفاظت از قلمرو حکومت احداث می‌شده‌اند. این‌گونه مراکز شهری، کلنی‌هایی نظامی بودند که بیشتر ساکنان آن‌ها را سپاهیان یونانی و مقدونی تشکیل می‌دادند و در امتداد راه‌های مهم سوق‌الجیشی و بازرگانی ساخته می‌شدند. شهرسازی در این دوره دو پیامد داشت: از نظر اجتماعی باعث پیدایش شهرهایی گردید که حاصل اسکان مهاجران یونانی بود و از نظر شهرسازی، هلنیستی شدن شیوه‌ی شهرنشینی را به دنبال داشت. مشخصه‌ی اساسی این شیوه، اداره‌ی شهرها به صورت دولت‌شهرهای خودفرمان بود. یکی دیگر از اقدامات سلوکیان بازرسازی مراکز شهری و روستاهای کهن ایران با استفاده از شیوه‌ی شهرسازی یونانی است. آنان در بیشتر موارد، به مرمت و بازرسازی شهرها و مراکز سکونت‌گاهی کهن پرداختند و آن‌ها را متناسب با خواسته‌های خود تغییر دادند. دوره‌ی سلوکی دوره‌ی گذار شهرسازی از سبک بومی-ایرانی، به شیوه‌ای ترکیبی موسوم به پارسی-هلنی بود که آثار و شواهد آن را در سازمان فضایی و

شکل‌گیری کالبدی شهر در نقاط مختلف کشور نمایان ساخت. بنابراین، این مقاله بر آن است تا شهرسازی و شهرنشینی در دوره‌ی سلطه‌ی سلوکیان در ایران را بررسی نماید. **پرسش‌های پژوهش:** ۱. سیاست شهرسازی دولت سلوکی در سرزمین‌های مفتوحه تابع چه عواملی بود و از سوی دیگر این سیاست چه تأثیری بر زندگی مردم ساکن در سرزمین‌های مزبور داشت؟ ۲. دلیل اصلی ساخت شهرهای جدید توسط دولت سلوکی چه چیزی بوده است؟

فرضیات پژوهش: ۱- به نظر می‌رسد عواملی نظیر اشاعه‌ی فرهنگ هلنی و هم‌چنین سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی در احداث شهرهای جدید در مناطق مفتوحه، به وسیله‌ی دولت سلوکی مؤثر بوده‌اند. این سیاست موجب غالب شدن فرهنگ یونانی‌مآبی یا هلنیسم در تمامی ابعاد زندگی مردم در دوره‌ی سلوکی شده است که حتی تا دوره‌ی پارتیان نیز تداوم یافت. ۲- به نظر می‌رسد احداث شهرهای جدید در مناطق مختلف ایران، تحت تأثیر اهداف سیاسی-نظامی دولت سلوکی و پادشاهان آن سلسله قرار داشته است و موجب حفظ قلمرو آن‌ها در برابر تهاجمات مختلف می‌شده است.

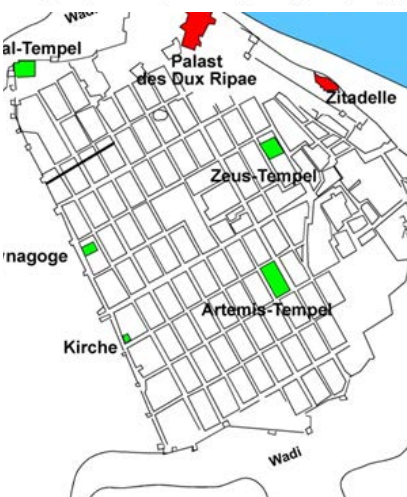
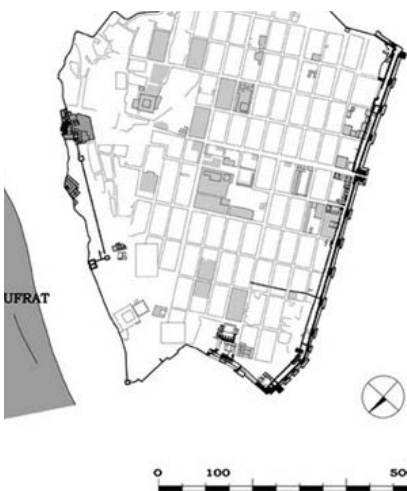
روش تحقیق: این پژوهش مروری کتابخانه‌ای و اسنادی با تکیه بر منابع اصیل و اولیه‌ی دوره‌ی سلوکی، درباره‌ی شهر و شهرسازی دوره‌ی سلوکی است. برای این کار، ابتدا، منابع و مقالات مرتبط با متغیرهای این پژوهش، جمع‌آوری و سپس فیش‌برداری انجام شد. آن‌گاه با مقایسه‌ی فیش‌ها و تطبیق آن‌ها با یکدیگر، مطالب گردآوری شده مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت و در تدوین به تحلیل مطالب به روش علمی و با استدلال منطقی پرداخته شد.

پیشینه‌ی تحقیق

دیودور سیسیلی (۹۰ ق. م. - ۳۰ ق. م.) تاریخ‌نگار ایتالیایی در کتاب *تاریخ جهان* سه دوره‌ی زمانی را مورد بررسی قرار داده است. دوره‌ی سوم که کتاب‌های هفدهم تا چهارم را شامل می‌شود، از مرگ اسکندر (۳۲۳ ق. م.) آغاز شده تا زمان نویسنده را شامل می‌شود. این دوره به عصر یونانی‌مآبی (هلنیسم) معروف است. *جغرافیای استرابو* (۶۳ ق. م. - ۲۴ ق. م.) تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان یونانی به تمام اقوام و کشورهای شناخته شده یونانیان و رومیان پرداخته است. این کتاب، منبع گران‌بهای برای کسب اطلاعات درباره‌ی اوضاع جغرافیایی دنیای قدیم است. مؤلف در این کتاب نواحی ایران را توصیف کرده و مطالب مفیدی درباره‌ی فلات ایران، سازمان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مردمانی که در نواحی مختلف ایران ساکن بوده‌اند، نوشته است. پلوتارک (۴۶-۱۲۷ م.) تاریخ‌نگار یونانی حدود ۲۷۷ کتاب و رساله نوشته که از میان آن‌ها *حیات مردان نامی* به فارسی ترجمه شده است. این کتاب سرگذشت سرداران، شاهان و فرمانروایانی است که در روزگاران باستان مشهور بوده‌اند. پلوتارک در این کتاب به ذکر سرگذشت، فتوح و حوادث تاریخی اکتفا ننموده، بلکه خصوصیات اخلاقی مردانی که منشأ تحولات بزرگی در دنیای قدیم بوده‌اند را نیز، آورده است. ایزیدور خاراکسی مورخ یونانی قرن دوم قبل از میلاد، در کتاب *ایستگاه‌های پارتی* خویش به نام برخی



▲ شکل ۱. عکسی از شهر مرو با پلان منظم چهارگوش در ترکمنستان به‌عنوان یکی از شهرهای سلوکی (https://en.wikipedia.org/wiki/Merv).



▲ شکل ۲. پلان نقشه‌ی شطرنجی و شبکه‌های منظم یکسان در شهر دورا اروپوس (https://de.wikipedia.org/wiki/Datei: Dura_europos_plan.jpg).

شهرهای ساخته شده توسط یونانیان اشاره دارد (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۰). حسن پیرنیا (مشیرالدوله) در مجموعه‌ی *ایران باستان*، کتاب ششم تا هشتم به دوره‌ی مقدونی و سلوکی می‌پردازد (پیرنیا، ۱۳۴۵). رومن گیرشمن در *ایران از آغاز تا اسلام* به شرح باستان‌شناسی تاریخ و تمدن ایرانی پرداخته است (گیرشمن، ۱۳۷۲). فصل چهارم این کتاب به اوضاع ایران پس از روی کار آمدن اسکندر و سلسله‌ی سلوکیان است. جلد اول مجموعه‌ی کتاب‌های ویل دورانت تحت‌العنوان: *مشرق زمین گاهواره تمدن به امپراتوری سلوکیان و هلنیسم در مشرق زمین پرداخته است* (دورانت، ۱۳۶۵). جورجینا هرمان در کتاب *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان* به برخی شهرهای سلوکی و نقشه‌های منظم و یکسان آن‌ها اشاره می‌کند. طبق گفته‌ی وی شهر مرو توسط آنتیوخوس اول ساخته شد که دارای نقشه‌ای مربع و خیابان‌های عمود برهم بود. وی هم‌چنین به شهر دورا اروپوس با نقشه‌ی شطرنجی و آی خانوم افغانستان به بخش مهم اداری آن اشاره می‌کند (هرمان، ۱۳۷۳: ۳۳-۳۱) (شکل‌های ۱ و ۲). دیتریش هوف در مقاله‌ای با عنوان: «نظری اجمالی به پایتخت‌های ایران»، قسمتی از آن‌را به معرفی شهرهای اسکندر و جانشینانش نظیر سلوکیه پایتخت دولت سلوکی پرداخت که طبق نظری وی ۶۰۰ هزار نفر جمعیت داشته است و دارای سنایی مرکب از ۳۰۰ تن بوده است. نقشه‌ی شهر یک سیستم مشبک متشکل از خیابان‌ها و بلوک‌های ساختمانی به ابعاد ۷۰ تا ۱۴۰ متر است و دو خیابان اصلی و موازی هم در امتداد طول شهر به سوی رودخانه کشیده شده بود. در خیابان مرکزی آن دو معبد، یک محل تجمع و بازار به چشم می‌خورد (هوف، ۱۳۷۴: ۱۰). نادر میرسعیدی در «سلوکیان و اشکانیان» به بررسی سلسله سلوکیان و هلنیسم در شهرهای سلوکی پرداخته است (میرسعیدی، ۱۳۸۷). هم‌چنین جلد سوم *تاریخ ایران کمبریج* «از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان» به شهرسازی سلوکیان و دلایل ایجاد شهرها توسط آنان در مناطقی که تصرف کرده بودند، پرداخته است و به شهرهای نظیر آی خانوم و تاکسیلا اشاره نموده است (اشلومیرزه، ۱۳۸۰). در نهایت جا دارد تا به مقاله‌ی سید اصغر محمودآبادی و سید محسن قائم مقامی (۱۳۸۸) تحت عنوان: «بنیاد شهروندی در شهر فرنگ‌های ایران عهد سلوکی» و مقاله‌ی «شهرهای سلوکیان در سواحل خلیج فارس و جنوب ایران»، توسط حسن اسماعیلی (۱۳۹۵) اشاره شود.

شهرسازی سلوکی‌ها

سلوکیان برای حفظ خود در برابر ایرانیان که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند در بخش‌های وسیعی از متصرفات خود شهرهای جدیدی تأسیس و یا برخی شهرهای قدیمی را نیز تجدید بنا کردند و به این ترتیب قلمرو نخست سلطه‌ی خود، به خصوص ایران را از شبکه‌ای از اقامتگاه‌ها پوشاندند (میرسعیدی، ۱۳۸۲: ۶۲).

سلوکوس اول کوچ‌دادن اهالی یونانی به طرف شرق که از طرف اسکندر آغاز شده بود، را ادامه داد. به همین جهت بیش از ۶۰ شهر بنا به گفته‌ی آپ پیان، مورخ یونانی قرن دوم میلادی، (پیرنیا، ۱۳۴۵: ۲۰۶۳) یا به قولی ۷۵ شهر (گوتشمید، ۱۳۵۶: ۵۸) به همت او ایجاد گردید. این شهرها گاهی به آن‌ها اسامی شهرهای یونانی داده می‌شد

و گاهی سلوکوس به نام فتوح خود نامی برای این شهرها انتخاب می‌کرد. سلوکوس اول بانی دو پایتخت است، سلوکیه در ساحل دجله که بابل را از اعتبار انداخت و انطاکیه در ساحل اورو تیس در سوریه (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۵۵). جمعیت سلوکیه‌ی دجله در زمان شکوفایی به ۶۰۰ هزار نفر می‌رسید. انطاکیه در کنار رود اورو تیس در محلی بنا شد که نه چندان دور از مصب آن رود که برای رفت و آمد کشتی‌ها نامناسب باشد و ضمناً در فاصله‌ای باشد که از حملات دریایی مصون بماند. این شهر بعدها با معابد، بناها، تماشاخانه‌ها، ژیمناسیوم‌ها، ورزشگاه‌ها، باغ‌های گل، بولوارهای خوش منظره و پارک‌های زیبایی مانند: پارک دافنه با سرخس‌ها، درخت‌های غار، چشمه‌سارها و فواره‌های زیبایی در سراسر یونان شهرت یافت (دورانت، ۱۳۶۵: ۲/ ۶۴۱-۶۴۲).

پس از سلوکوس اول پسرش آنتیوخوس اول از زن ایرانی او، آپامه‌آبه تخت سلطنت نشست. او بعد از استقرار حکومت، شهری را در واحه‌ی مرو تجدید بنا کرد و آن را «انطاکیه» (آنتیوخیا) نامید. محیط این شهر حدود ۱۳ کیلومتر بود. وی هم‌چنین این واحه را با کشیدن حصاری به طول ۲۷/۵ کیلومتر در برابر حملات بیابانگردان استوار ساخت. او دو شهر به نام «اسکندریه» (الکساندروپولیس)، یکی در خجند و دیگری در ترمذ تأسیس کرد (میرسعیدی، ۱۳۸۷: ۱۵). شهر لائودیسیه در قسمت شرقی پارسه را احداث نمود. مرگیان (مرو) را با دیواری به طول یک هزار و پانصد استادیوم (واحد طول سلوکی) محصور کرد و در همان مقام در ملتقای رود مرغاب و زوتالس، شهر مخروبه‌ای را به نام «سوریانا» تجدید بنا کرد و به آن نام تازه‌ی «انطاکیه» داد. محیط این شهر جدید در حدود ۱۷ استادیوم (۱۲ کیلومتر) بود. وی هم‌چنین در هرات (آری‌یا) شهر سوتیرا و سردارش شهر آخائیا را بنا نهاد. پایتخت‌های قدیمی آرتاکابانه و اسکندریه در کنار رود آریوس (هریرود فعلی) دارای حصارهایی به طول ۳۵ استادیوم (۹ کیلومتر) شدند (گوتشمید، ۱۳۵۶: ۶۰).

آنتیوخوس سوم (کبیر)، (۲۲۳-۱۸۷ ق. م.) پس از به اطاعت درآوردن شهرهای یونانی، به طرف ایران حرکت کرد تا تسط خود را در ممالک آن - که به تصرف پارتیان درآمد بودند - برقرار کند. او به پارت لشکر کشید و اردوان شاه پارت عقب نشست. او، هکاتوم پولیس (صدروزه) را تسخیر کرده و تأسیساتی در آنجا ساخت، سپس به طرف گرگان رفت و شهر سی‌زنکس را گرفته و آن را بازسازی نمود. سپس به طرف هند راند و در آنجا با پادشاه هند «سوفگازنوس»، عهد مودت بسته و به طرف خلیج پارس برگشت. پس از ورود به جزیره‌ی بحرین اصلاحاتی در آنجا انجام و بعد به سوریه برگشت (پیرنیا، ۱۳۴۵: ۲۰۸۰). او هم‌چنین ساتراپی مسنه (مسیان) را با پایتخت جدیدش آنتیوخیا به یکی از اهالی بومی به نام «هوسپائوسینس» فرزند ساگدودوناکوس داد. چون اقدام آنتیوخوس در کار تحکیم شهر آنتیوخیا اساسی نبود و هم‌چون بنای اسکندر در اثر سیل و طغیان آب از بین رفت، او شهر را برفراز یک تپه‌ی مصنوعی دوباره ساخت و سدهایی در اطراف آن کشید تا در روز مبادا محافظش باشد. این بنای جدید را «خاراکس هوسپائوسینس» نامیدند که مرکز تجاری پُرونقی شد و پایتخت حکومتی گردید که متحمل است پس از مرگ آنتیوخوس مستقل شده باشد (گوتشمید، ۱۳۵۶: ۸۱-۸۲). آنتیوخوس چهارم (۱۷۵-۱۶۳ ق. م.) ملقب به «اپی‌فانس»، شهرهای جدید بنا

می‌کرد و شهرهای قدیمی را از نو می‌ساخت، شمار شهرهایی که نام‌های انطاکیه، سلوکیه و اپی‌فانیا داشتند، در جاهای گوناگون و در مناطقی که توسط وی فتح شده بود، ثبت شدند (الچیبگیان، ۱۳۸۲: ۸۵).

بدین ترتیب، سلوکیان شبکه‌ی وسیعی از اقامتگاه‌ها را به وجود آوردند. مؤسسات اخیر به منظور دفاع کشور ضد بدویان - چنان‌که در بلخ - یا به جهت مراقبت سکنه‌ی فتنه‌جو مخصوصاً اهالی ماد ایجاد می‌شد. تعداد زیادی از این شهرها در طول جاده‌ی بزرگ نظامی، شریان اصلی شاهنشاهی که جاده‌ی هزارساله‌ی کرمانشاه به همدان از آن می‌گذشت، احداث شدند. نواحی حاصلخیز نیز توجه آنان را به خود جلب کرد، مخصوصاً مثلثی که بین کرمانشاه، همدان و بروجرد واقع است و از زمین‌های کاملاً مشروب به شمار می‌رفت. در دشت کرمانشاه، در دینور و کنگاور نیز مؤسسات یونانی بنا شد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۲).

شکل عمومی ساختار شهرها در دوره‌ی سلوکیان

منابع یونانی و لاتینی نشان می‌دهند که سلوکیان به منظور یونانی کردن سرزمین‌های شرق و گسترش تمدن هلنی شهرهای نوینیا متعددی بنا کردند. این شهرها به‌عنوان مراکز فرمانروایی یونانیان و مقدونیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به نظر می‌رسد که غالب این شهرها در شرق ایران و به منظور ایجاد مراکز نظامی و به جای پادگان‌های هخامنشیان بنا شده بود. بررسی منابع یهودی نیز آگاهی‌هایی در زمینه‌ی شهرهای ساحلی سوریه و فنیقیه به دست می‌دهد (فرای، ۱۳۷۳: ۲۱۸).

سلوکیان با استفاده از طرح‌های یونانی درباره‌ی شهر و ترکیب آن با سنت‌های کهن مشرق زمین آمیزه‌ای هنری-سیاسی به وجود آوردند. طرح این شهرها غالباً به صورت مربع با خیابان‌های عمود برهم بود. شهرهای سلوکی معمولاً دارای بازار، ورزشگاه و سالن تئاتر بود و در آن سنت‌های یونانی حفظ می‌شد. در اوایل سده‌ی بیستم، یکی از این گونه شهرها با مجموعه‌ای از سالن تئاتر و ورزشگاه در بابل کشف شد. این شهر از آجر ساخته شده و ردیف صندلی‌های تئاتر آن به شکل نیم‌دایره و روبه صحنه ساخته شده است. قسمت جلو صحنه با نقوش برجسته گچی تزئین شده است (جعفری دهقی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

شهرهای این دوره نسبت به دوره‌های قبل بهداشت بهتری دارند. سرعت در ارتباطات و حمل و نقل به عالی‌ترین درجه‌ی خود رسید و راه‌های بزرگ بین قاره‌ای ابریشم و ادویه که دولت مالک آن‌ها بود هم در این دوره شکل گرفتند. در این دوره برای اولین بار مفهوم میدان شکل می‌گیرد. میدان، چشم‌اندازی برای نمایان ساختن قدرت و اعتبار دولت سلوکی است. مقیاس انسانی برای طراحی معابر و منازل مبنا قرار گرفت. در کنار آن بازار کانون زندگی شهری یونانی و وجه مشخصه‌ی اصلی شهرهای یونانی نقشه‌دار در مکان‌هایی نظیر دورا و پوس و سلوکیه به چشم می‌خورد (Mum-ford, 1961: 68؛ هرمان، ۱۳۷۳: ۳۲).

شهرهای پارسی-هلنی براساس نزدیکی به راه‌های اصلی، نزدیکی به قلاع نظامی یا شهرهای قدیم و با توجه به اهمیت سوق‌الجیشی، مکان‌یابی شده بودند. شهرهای

سلوکی با توجه به ریشه‌ی یونانی مرکز عمده‌ی دادوستد و تجارت و باتوجه به ریشه‌ی پارسی به گسترش روابط بازرگانی و صنعتی با روستاهای تحت نفوذ می‌پرداختند و شهر به مجموعه قلعه‌ی شهر و روستاهای به هم پیوسته اطلاق می‌شد. سازمان فضایی - کالبدی شهرهای سبک پارسی-هلنی، مانند طرح عهد کلاسیک، «هیپودام» و شبکه‌ی معابر شطرنجی و با مقیاس انسانی بوده است. میدان، مانند «آگورا» مرکز مبادلات فرهنگی، تجاری و اداری و تجلی‌گاه کالبدی دو فلسفه‌ی یونانی و ایرانی محسوب می‌گشت.

نام «هیپودام» که از «هیپوداموس» معمار اهل میلئوس در سده‌ی پنجم قبل از میلاد گرفته شده بود، به شهرهایی با طرح «شطرنجی» اطلاق می‌گردید که از شبکه‌ی درهم فشرده‌ی خیابان‌هایی تشکیل می‌شد و یکدیگر را با زاویه‌ی قائمه قطع می‌کردند. اصل سازمان دهنده‌ی اصلی نقشه‌ی هیپودام میدان بود که در مرکز قرار می‌گرفت و به راحتی برای شهروندان از همه جهات قابل دسترسی بود. میدانی فضایی برای مکث و سکون بودند، در قلمرو فضاهای عمومی توسعه یافته‌اند. محوطه‌ی میدان‌های تجاری، زمین‌های رژه‌ی نظامی، میدان‌های تشریفات، میدان‌های برابر معابد و مراکز حکومتی شهری، صحن‌های مذهبی و زیارتگاه‌ها وجود داشتند (خوشنویس، ۱۳۸۵: ۱۰۴ و ۱۰۶). کریرنیز اعتقاد دارد که: میدان اولین عرصه‌ی عمومی بود که برای استفاده از فضاهای شهری به کار می‌رفت و از تجمع خانه‌ها در اطراف فضای باز و در جلو معابد به وجود می‌آمد که تجمع نیایشگران زیادی را در فضای بیرونی معابد ممکن می‌ساخت (۱۳۷۵: ۱۷).

بدین‌گونه، عناصر شهری در شهرهای سلوکی متشکل از معابد و ساختمان‌های خصوصی و عمومی بود. فضاهای عمومی غیر از معابد، معمولاً عبارت بودند از: آگورا یا میدان شهر که مرکز زندگی اجتماعی و فعالیت‌های شهری بود. در اطراف یا نزدیک میدان رواق‌های ستون‌دار، معابد، ساختمان‌های اداری و عمومی، بازارها، اماکن تفریحی و بناهای یادبود قرار می‌گرفتند. ساختمان شورا و یک محل ملاقات سرپوشیده نیز وجود داشت که برای تشکیل جلسات از آن‌ها استفاده می‌شد. شکل عمومی بنا چهارگوش بود (گروتر، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

انواع شهر در دوره‌ی سلوکی

دوره‌ی سلوکی، دوره‌ی تجربه‌ی بزرگ تاریخی و بنیان‌گذاری شهرهای خود فرمان به سبک شهرهای یونانی و رشد شتابان شهرنشینی در ایران است (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۷۲). این شهرهای خودفرمان به چند شکل دیده می‌شوند؛ یکی، شهرهایی بودند که قبلاً وجود داشتند و یونانی‌ها به توسعه و ترقی آن‌ها پرداختند و به آن‌ها زندگی دوباره‌ی شهری دادند. دوم، به پیروی از اسکندر شهرهای جدیدی که مراکز اقامت مهاجرین بود، بنا شدند. این شهرها نمونه به دست بومیان می‌داد تا ساختمان‌هایی به سبک یونانی بنا کنند. علاوه بر آن سلوکی‌ها روستاهایی را که مستعد برای شهر شدن تشخیص می‌دادند و یا شهرهای کوچک را نیز توسعه می‌دادند و اطراف آن حصار می‌کشیدند و به مرکز و اهالی شهر حقوق دولت‌شهر را می‌دادند. نوع چهارم،

برخی کلنی‌های نظامی بودند که از حقوق و مزایای پولیس برخوردار شده و منزلت شهری کسب می‌کردند. براساس مدارک تاریخی نظیر کتاب‌های مورخان رومی (پلوتارک و ایزیدور خاراکسی) و هم‌چنین یافته‌های باستان‌شناسی، شاید بتوان یک تقسیم‌بندی کلی برای شهرنشینی این دوره براساس نحوه‌ی ساخت و کاربری آن به‌کار برد. بر همین اساس، سکونت‌گاه‌های شهری در این دوره را به چهار گروه قابل تقسیم است:

- ۱- شهرهای نوساز احداث شده توسط سلوکی‌ها، نظیر شهر مرو و سلوکیه که تقریباً پی‌ریزی ۷۵ شهر را به سلوکوس اول (۳۸۱-۳۵۸ ق.م.و) نسبت می‌دهند (شکل ۳).
 - ۲- شهرهای قدیم ایرانی تغییر یافته مانند شهر شوش که از حیث ساخت بناهای عمومی مانند تماشاخانه و ورزشگاه و غیره مورد توجه یونانیان بوده است (هوف، ۱۳۷۴: ۱۰).
 - ۳- روستاهای بزرگ یا شهرک‌هایی که تبدیل به شهر شده است. همانند شهر بغستانه در غرب ایران (بیستون کنونی) که ایزیدور خاراکسی از آن نام برده است (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۰: ۱۷) و هم‌اکنون مجسمه هرکول در آن دیده می‌شود.
 - ۴- کلنی‌های نظامی که با ترقی عنوان «پولیس» می‌گرفتند.
- براساس کتاب‌های مورخان رومی (پلوتارک و ایزیدور خاراکسی) و هم‌چنین یافته‌های باستان‌شناسی می‌توان برای شهرهای دوره‌ی سلوکی براساس کاربری تقسیم‌بندی قائل شد. از انواع شهرها در دوره‌ی سلوکی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

شهرهایی با کاربردهای مختلف

- ۱- **شهرهای نظامی:** سلوکیان برای حفظ خود در برابر ایرانیان که بیشترین جمعیت امپراتوری آنان را تشکیل می‌دادند و نیز به منظور دفاع کشور ضد بدویان - در بلخ - یا به جهت مراقبت سکنه‌ی فتنه‌جو - مخصوصاً اهالی ماد - (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۲) در بخش‌های وسیعی از متصرفات خود شهرهای جدید به صورت مهاجرنشین نظامی برای اسکان یونانیان و مقدونیان تأسیس کردند (میرسعیدی، ۱۳۸۷: ۲۰ و ۲۱)؛ اگرچه در برخی از آن‌ها، به‌ویژه مهاجرنشین‌های شرقی، عده‌ای از اهالی بومی نیز حضور داشتند که از بازماندگان جنگاوران ایرانی بودند که در سپاه اسکندر خدمت کرده بودند. این مهاجرنشین‌ها در اکثر موارد به نام شهر یا محلی در مقدونیه که بیشتر ساکنان آن منطقه را تشکیل می‌دادند، نامیده می‌شدند. هم‌چنین در آن‌ها، پادگانی یونانی از سوی دولت مرکزی مستقر بود تا ساکنان یونانی به‌هنگام خطر بتوانند به آنجا پناه ببرند؛ علاوه بر آن، در صورت بروز خطر نظامی برای پادشاهی از سوی پولیس‌ها، این پادگان‌ها به مقابله با پولیس‌ها وارد عمل می‌شدند.
- برخی از مهاجرنشین‌های نظامی که از لحاظ اقتصادی در شرایط مساعدی قرار داشتند و موقعیتشان از لحاظ توسعه‌ی بازرگانی مناسب بود به سرعت ترقی کرده به صورت شهر درمی‌آمدند و از طرف دولت سلوکی عنوان پولیس دریافت می‌کردند. در اراضی شاهی پادشاهان سلوکی، مهاجرنشین‌های نظامی مستقر می‌شدند و از ساکنان

آن‌ها قوای پیاده‌نظام «فالانکس» که اساس سپاه سلوکی را تشکیل می‌داد، به وجود می‌آمد (همان: ۲۳).

سلوکی‌ها علاوه بر احداث شهرها و ساکن نمودن یونانی‌ها در آن‌ها، مستعمرات نظامی هم می‌ساختند. این مستعمره‌های نظامی متفرق و پراکنده نبود، بلکه در جاهایی جمع بودند و صورت و شکل شهر را داشتند. بعضی اوقات مهاجرین نظامی را در شهری که وجود داشت، جمع می‌کردند و در این صورت این‌ها طبقه‌ای از ساکنان شهر به شمار می‌رفتند و زمین‌های آن‌ها جزو اراضی شهری محسوب می‌شد. گاهی هم دهات نظامی به تدریج با طول زمان مبدل به شهر می‌شدند و می‌توان گفت، که شهرهای نظامی بسیاری در ابتدا دهات بودند (پیرنیا، ۱۳۴۵: ۲۱۱۶).

بدین‌گونه، شبکه‌ای از شهرهای نظامی مقدونی، ایران را از سیر دریا تا خلیج فارس پوشانده بود و قلمرو سلوکی را به هم پیوسته نگه می‌داشت. این شهرهای نظامی معمولاً در اراضی شاهی و در محلی ساخته می‌شد که دفاع از آن آسان باشد؛ به‌طور مثال در آی خانم، بر کران آمودریا (جیحون)، کوچ‌نشین در محلی بنا شده بود که از دو سو پشت به رودخانه داشت و در جانب سوم آن، تپه‌ای قرار داشت که کهن‌دژ آن شده بود (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، (شکل ۴). با تکامل دولت سلوکیان در ایران و گسترش مهاجرنشین‌ها، اراضی شاهی در اطراف شهرهای بزرگ مرکز پیدایش کلنی‌ها شدند و چون اساس دولت سلوکی تصرف مناطق شرق با استفاده از حومه‌ی نظامی بوده این کلنی‌ها پیشرفت بیشتری کردند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۲۱). این مهاجران سهمی از زمین متعلق به شاه (کلر) را دریافت می‌کردند و در مقابل آن موظف به انجام خدمت نظامی برای پادشاه بودند (رحمانی، ۱۳۹۲: ۵۸۶). زمین‌هایی که در اطراف کلنی‌ها به مهاجران داده می‌شد به صورت موروثی به بازماندگانش تعلق می‌گرفت (فرای، ۱۳۷۷: ۲۲۳). افراد این کلنی‌ها نظامیانی بودند که اساس ارتش سلوکی را تشکیل می‌دادند و به آنان «فالانژ» می‌گفتند. ظاهراً افراد این کلنی‌ها به‌طور یک‌دست از یونانیان و مقدونیان نبودند. بلکه عده‌ای از افراد محلی هم در این کلنی‌ها وجود داشتند که بازماندگان جنگاوران پارسی بودند و در گذشته در ارتش اسکندر خدمت کرده بودند (فاروقی، ۱۳۶۳: ۸۱).

سلوکیان، برخی کلنی‌های نظامی که از حقوق و مزایای پولیس برخوردار شده و منزلت شهری می‌یافتند، را به شهر تبدیل می‌کردند و نظامیان را آنجا آورده تا برای درگیری احتمالی با مردم شهرهای متصرفی آماده باشند (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۴۳).

۲- شهرهای بازرگانی-تولیدی: منظور از شهرهای بازرگانی-تولیدی شهرهایی

هستند که بخش مهمی از نیروی کار در آن‌ها صرف تولید و تجارت صنایع می‌شود. سواحل خلیج فارس از مراکز مهم بازرگانی در جهان آن‌روز به‌شمار می‌رفت و راه تجاری بین شوش و هندوستان بود. در عهد سلوکیان حداقل ۹ شهر در همین نواحی بنا شد. در پی رونق برخی از رشته‌های صنایع دستی، مانند: پارچه‌بافی و فلزکاری، تعداد شهرهای تولیدی-بازرگانی در این منطقه روبه افزایش نهاد. سلوکیان شهر انطاکیه‌ی پارس (بوشهر کنونی) را در سواحل خلیج فارس به‌همین منظور و توسعه‌ی تجارت از راه دریا احداث کردند. شهرهایی که در این منطقه احداث می‌شدند در بدو امر دچار

تغییرات زیادی در زمینه‌ی تجارت و تولید شدند. شهرهای بازرگانی-تولیدی سلوکی شهرهایی با تشکیلات قوی بودند که شاه انحصارهای محصولات یا کارخانه‌ها را در دست داشت (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۸۱). از دیگر ساخته‌های یونانیان در فیلکه یا ایکاروس به دست آمده که جزیره‌ی کوچکی در خلیج فارس است؛ در آن کتیبه‌ای از شاهان سلوکی به همراه یک سری آثار معماری و با گنجینه‌ای از سکه‌ها که تاریخ ضرب آن‌ها به نیمه‌ی دوم سده سوم قبل از میلاد می‌رسد (اشلومبرژه، ۱۳۸۰: ۴۹۸-۴۹۷). همچنین بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در جزیره‌ی قشم نیز بیانگر افزایش چشم‌گیر محوطه‌های حوضه‌ی خلیج فارس، در دوره‌های پس از هخامنشی بوده است (خسرزاده، ۱۳۹۲: ۹۶).

در این شهرها، نظام پولی یکسانی وجود داشت و تنها سکه‌های شاهی، پول رایج و قانونی به شمار می‌رفتند. نقره‌ی خارجی نیز به صورت شمش برای معامله در گردش بود. واحد اصلی سکه‌ی سیمین ۴ دراخمی بود که حدود ۱۷ گرم وزن داشت (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۱۰). رواج پول در شهرهای سلوکی عاملی مؤثر در توسعه‌ی تجارت خارجی سلوکیان محسوب می‌شد. شاهان سلوکی با ۳ فلز: طلا، نقره و مس، سکه می‌زدند. سکه‌ی طلا تا نیمه‌ی دوم قرن سوم قبل از میلاد پیوسته ضرب می‌شد، اما پس از آن ضرب سکه‌ی طلا در شهرها متوقف و تنها گه‌گاه و در مواقع خاص سلوکیان متأخر ضرب آن‌ها را از سر گرفتند (میرسعیدی، ۱۳۸۷: ۴۴).



۳- شهرهای کشاورزی-تولیدی: یونانیان مهاجرت داده شده به شهرهای نوبنیاد سلوکی که برای کشاورزی آمده بودند، قطعه زمین‌هایی را در اطراف شهر می‌گرفتند و در قبال آن ملزم به انجام خدمات نظامی می‌شدند. این شهرها رسماً خودگردان بودند. زمین‌داران در شهر زندگی می‌کردند، نه در روستای بی دفاع. سلوکیان عموماً کشاورزی را ترویج و تشویق می‌کردند. کشاورزانی که در زمین‌های بایر درخت می‌نشانند را مالک موروثی آن زمین‌ها می‌ساختند (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۰۷ و ۱۱۰).

برای این منظور، آن‌ها سرزمین‌های حاصلخیز و در عین حال دارای اهمیت سوق‌الجیشی را برای ایجاد شهرهای جدید انتخاب می‌کردند، تا به کشاورزی در این شهرها و به دنبال آن تجارت و بازرگانی بپردازند (اشرف، ۱۳۵۳). شهرهایی که سلوکیان در سوریه و بین‌النهرین و ایران احداث کردند، تقریباً مانند شهرهای یونانی بود و این شهرها به سرزمین‌های وسیعی در اطراف خود نیازمند بودند. در زمین‌های اطراف شهر، کشاورزی انجام می‌شد و آذوقه‌ی مردم شهر و روستا به وسیله‌ی همین زمین‌ها تأمین می‌گشت.

معابد هم دارای زمین‌هایی بودند که عده‌ی زیادی از کشاورزان برای تهیه‌ی آذوقه در آن معابد کار می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۵-۲۶۶).

بدین‌گونه، زمین‌های کشاورزی در شهرهای نوبنیاد سلوکی به دو دسته تقسیم می‌شدند: ۱- زمین‌های شاهی، ۲- زمین‌های شهری.

زمین‌های شاهی بسیار وسیع بودند و بیشتر زمین‌های کشور جزو این زمین‌ها به حساب می‌آمدند؛ نصف این زمین‌های شاهی را روستاییان کشت و زرع می‌کردند و مجبور بودند که مالیات نقدی و جنسی در قبال آن به پادشاه بپردازند. وضع کشاورزانی



▲ شکل ۳. تصویر و نقشه‌ی شهر سلوکیه در ساحل رود دجله (https://en.wikipedia.org/wiki/Ctesiphon).

که در زمین‌های شهری کار می‌کردند تا حدودی بهتر از آن‌هایی بود که در زمین‌های متعلق به پادشاه یا معابد کار می‌کردند و همین امر موجب رونق بیشتر شهرهایی شد که در آن‌ها کشاورزی در زمین‌های شهری انجام می‌گرفت.

روستاییان در زمین‌های شهری که در آن کشاورزی می‌کردند، به نوعی وابسته‌ی به آن املاک محسوب می‌شدند. این کشاورزان با نظارت عمال سلوکی زمین‌ها را زه‌کشی و به این ترتیب زمین‌های وسیع‌تری را زیرکشت می‌بردند. در زمین‌های اطراف شهرهای سلوکی کشاورزی رونق داشت و همین مسئله باعث توسعه‌ی اجتماعات شهری گردید و بعضی از این زمین‌ها به صورت دهکده‌هایی که نوعی استقلال داخلی داشتند، در می‌آمدند (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۳).

در این دوره، سه دوره‌ی برداشت سالیانه انجام می‌شد و روش‌های جدید در آبیاری، احداث جنگل‌ها و پرورش میوه‌ها و آبادانی‌ها باغ‌ها به‌کار گرفته شد. زمین‌های بزرگ به شاه، اعضای خاندان سلطنت، درباریان، سرداران و مالکان بزرگ یونانی، مقدونی و ایرانی تعلق داشت و د واقع کشاورزان برای آنان در این زمین‌ها کار می‌کردند. مقدار معینی زمین به هر کشاورز اختصاص می‌یافت که به آن «کلروس» می‌گفتند و این زمین در صورت مرگ کشاورز به بازماندگانش تعلق می‌گرفت و گیرنده‌ی یکلروس ملزم به انجام خدمت نظام بود (میرسعیدی، ۱۳۸۷: ۳۸).

به‌طور کلی، در این دوره تحولات چشمگیری در کشاورزی به‌وقوع پیوست. کاربرد روش‌های جدید در کشاورزی، باغ‌داری، توزیع زمین‌های آماده برای کشت بین عده‌ای از شهروندان و روستاییان و انتظام‌ها و مقرراتی که کمابیش به‌نفع بخشی از روستاییان بود، موجب پیشرفت کشاورزی شد. سلوکیان با انتخاب سرزمین‌های حاصلخیز برای احداث شهرها کشاورزی را رونق دادند و با ایجاد امنیت در راه‌های تجاری به گسترش بازرگانی به‌واسطه‌ی کشاورزی پیشرفته پرداختند (اشرف، ۱۳۵۳). با توجه به این‌که حاصلخیزترین اراضی ایران در خوزستان واقع است و شهر شوش نیز از حیث ساخت بناهای عمومی، مانند: تماشاخانه و ورزشگاه و غیره مورد توجه یونانیان بوده است (هوف، ۱۳۷۴: ۱۰) و از طرفی مرکزیت سیاسی به سلوکیه منتقل گردیده است؛ لذا شوش یکی از شهرهای کشاورزی-تولیدی دولت سلوکیه بوده است. در دوره‌ی سلوکی، شوش ابتدا یک مهاجرنشین نظامی بود، اما با تغییر نام شوش به سلوکیه کنار اولائوس جایگاه این مکان به یک دولت شهر مهم ارتقاء یافت (نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

۴- شهرهای سیاسی، اداری (شاهی): احداث عموم شهرها، یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری-سیاسی، به‌وسیله‌ی پادشاهان و برخی از امرا و حکام محلی صورت می‌پذیرفته است و مهم‌ترین نقش و کارکرد این‌گونه شهرها، همین جنبه‌ی اداری-سیاسی آن‌ها بوده؛ به‌همین دلیل، احداث شهر، موضوعی سیاسی تلقی می‌شد و هر حاکمی اجازه‌ی این اقدام را نداشت و اگر حاکمی محلی بدون کسب اجازه چنین کاری انجام می‌داد، مورد پرسش قرار می‌گرفت (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۴۰-۴۱).

متصرفات سلوکیان به ۷۲ ساتراپی یا ایالت تقسیم می‌شد. ساتراپ‌نشین‌ها از نظر سیاسی و اقتصادی از طریق چند مرکز اداری امپراتوری سلوکی هدایت می‌شدند

(میراحمدی، ۱۳۹۰: ۵۶۵). ساتراپ‌ها یا استانداران دارای قدرت زیادی بودند، ولی دخالتی در امور مالی نمی‌کردند. امور مالی را مأمور ویژه‌ای به نام «اکونوم» انجام می‌داد، که مستقیماً تحت فرمان شاه قرار داشت. ساتراپی‌ها از لحاظ سیاسی و اقتصادی تابع یکی از سه مرکز اصلی پادشاهی بودند؛ ساتراپی‌های آسیای صغیر تابع سارد، ساتراپی‌های سوریه تابع انطاکیه اورونتس و ساتراپی‌های بین‌النهرین و ایران در ابتدا تابع بابل و بعد تابع سلوکیه بودند (میرسعیدی، ۱۳۸۷: ۲۰). هر ساتراپی دارای شهری مرکزی بود که مقر ساتراپ و ادارات مرکزی آن ساتراپی بود، از قبیل خزانه و بایگانی‌های که شعباتی در تمام شهرهای ساتراپی داشتند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۲۰). در شهرهای سلوکی، استراتگ، شهربانی بود که همراه با یک صاحب‌منصب کشوری از اشرافیت محلی و از خانواده‌ی مقدونی بر شهرهای بزرگ ریاست می‌کردند (لوکونین، ۱۳۸۱: ۱۱۳). همانند سلوکیه با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت و سنایی مرکب از ۳۰۰ نفر که مرکزیت سیاسی و اداری دولت سلوکیه را برعهده داشته است (هوف، ۱۳۷۴: ۱۰).

۵- پولیس (شهرهای خاص): «پولیس» که معمولاً به «دولت‌شهر» ترجمه می‌شود، شهر یا اجتماعی بود با سازمان سیاسی مخصوص به خود، شامل مرکز اداری شهری که در آن مکان نمایش اصلی شهر و مکان تجمع، آگورا قرار داشت. شهر معمولاً دارای تپه‌ای از استحکامات به نام «اکروپولیس» داشت که اهالی می‌توانستند در مواقع خطر به آنجا پناه ببرند. فرمانروایی پولیس در دست مقاماتی بود که مسئولیت‌های ویژه‌ای نظیر رهبری نظامی، قضات و دادرسی یا هدایت امور مذهبی را برعهده داشتند و با نوعی انتخابات به این سمت‌ها منصوب می‌شدند (بویس، ۱۳۷۹: ۱۲۱). سازمان پولیس، مستلزم حضور و وجود ساکنان یونانی یا کلنی یونانی-مقدونی بود. بیگانگان و بردگان و مهاجران غیراروپایی جزو پولیس محسوب نمی‌شدند، در واقع ایرانیان و دیگران وضع خاص و مستقلاً داشتند که ارتباطی با شرایط پولیس نداشت (کلیما، ۱۳۵۶: ۴۳). شاید اتخاذ چنین شیوه‌ای که باعث تمایز بین یونانیان و غیر یونانیان در این شهرها می‌گردید باعث می‌شد آنان با این‌که در کنار هم زندگی می‌کردند، عقاید و راه و روش خاص خود را دنبال کنند. در واقع سلوکیان تمایز بین پولیس و ناپولیس را در ایران نگه داشتند و عقیده داشتند که هیچ جامعه‌ای چندان سزاوار گرفتن نام پولیس نیست و بدین ترتیب آنان جوامعی که تاحدی شبیه پولیس بوده از روستاها متمایز می‌کردند و آنان را «پولیتوما» می‌خواندند (محمودآبادی و قائم‌مقامی، ۱۳۸۸: ۱۲).

ایجاد پولیس‌ها به چهار طریق صورت می‌گرفت:

- ۱- چند روستای نزدیک به هم را مجموعاً به صورت یک پولیس درمی‌آوردند.
 - ۲- برخی از مهاجرنشین‌های نظامی را به درجه‌ی پولیس ارتقاء می‌دادند.
 - ۳- به برخی از شهرهای بومی و قدیم، عنوان پولیس اعطا می‌کردند.
 - ۴- بر روی زمین بایرو بکر، شهرهای جدیدی به عنوان پولیس احداث می‌کردند.
- روی هم رفته پولیس به شهرهایی اطلاق می‌شد که مستقل و دارای یک مجمع مرکب از افراد متساوی‌الحقوق جامعه و شورای انتخابی شهر و دادرسان انتخابی مردم بودند (تقوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۷۹).

وضعیت این پولیس‌ها در قلمرو سلوکی یکسان نبود، به‌طور مثال: برخی از پولیس‌های قدیمی به‌خصوص شهرهای ثروتمند یونانی آسیای صغیر، مانند «میلتوس» و «اسمیرنا»، و در فنیقیه، مانند «صور و صیدا» و «بیلیوس» عنوان پولیس داشتند؛ چون در ساحل دریا واقع بودند و از لحاظ سوق‌الجیشی و تجاری موقعیت مهمی داشتند، خود را متعهد دولت سلوکی محسوب می‌کردند ولی به پادشاه سلوکی «فوروس» یا خراج می‌پرداختند (میرسعیدی، ۱۳۸۷: ۲۲).

سلوکیان در مواردی روستاهایی را که مستعد برای شهر شدن تشخیص می‌دادند، توسعه داده و اطراف آن حصار می‌کشیدند و به آن‌ها یعنی به مرکز و اهالی شهر حقوق پولیس (دولت‌شهر) می‌دادند (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۴۳).

در راستای گسترش پولیس‌های یونانی در سرزمین‌های مفتوحه به‌وسیله‌ی پادشاهان سلوکی و حضور بسیار زیاد مهاجران در این پولیس‌ها، خصوصاً ایران، حکومت مقدونی با شتاب تأثیرگذاری بر اقوام شمال و مشرق ایران به‌سمت یک حکومت پایدار از عناصر بومی و مهاجر پیش می‌تاخت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۲۹). پولیس‌های ایرانی در محدوده‌ی خویش حکومتی خودگردان داشتند. شورای شهر و انجمنی متشکل از مردم و کارمندان که مسئولیت پاسخ‌گویی نیز بر عهده‌ی آنان بود، به این خودمختاری عینیت می‌بخشیدند؛ هر پولیس ایرانی قانون عالی و سپاه خاص و در امور دینی مقررات خاص خود را داشت. این امور در چهارچوب دین یونانی بود که به‌همراه پرستشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و تماشاخانه‌ها، آداب و سنن یونانیان را به مردم پولیس آموزش می‌داد (بویل، ۱۳۶۶: ۳۹۸). شاهان سلوکی با استفاده از همین مقررات ده‌ها پولیس هلنیستی را در ایران بنا نهادند که برای آنان موجد فرهنگ یونانی باشند (موله، ۱۳۷۱: ۱۰۲).

در حقیقت بین شیوه‌ی اداره‌ی پولیس‌های یونانی که در یونان و با سابقه‌ای دیرین از شهرنشینی به‌وجود آمده بود، با آن‌چه در ایران عهد سلوکی پدید آمد، تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. نخست، آن‌که این پولیس‌ها در سرزمینی بیگانه و تصرف شده به‌وجود می‌آمد که به‌طور طبیعی حاکمیت آن مبتنی بر عناصر واحد اجتماعی خود بود. نکته‌ی دوم، آن‌که پولیس‌های ایرانی به‌وسیله‌ی مقدونیانی اداره می‌شد که نسبت به مهاجران یونانی که نقشی در فتح ایران نداشتند، احساس برتری می‌نمودند و در مرحله‌ی سوم، شرایط ویژه‌ی پولیس‌های یونانی که در آن بازرگانان، دریانوردان و صنعتگران حرف اول را می‌زدند، با شیوه‌های اشغال و بیگانگی فرهنگی و سیاست غالب و مغلوب چالش‌هایی را به‌وجود می‌آورد که می‌توان آن‌را تفاوت‌های فاحش بین دو تمدن شرقی و غربی نامید (محمودآبادی و قائم مقامی، ۱۳۸۸: ۱۵). در واقع شهرهای یونانی ایرانی با وجود خودمختاری اعطایی از سوی شاهان سلوکی دارای خودمختاری محدودی بوده و روابط خارجی پولیس، مستقیماً با شاه سلوکی مربوط می‌شد. یکی دیگر از مسائلی که مانع از یکسان نمودن پولیس‌های ایرانی و شهرهای یونانی می‌شد، عدم یکپارچگی فرهنگی بین دو ملت بود که به‌تنهایی از مسائل مهم بود (دیاکونف، ۱۳۵۲: ۱۹۳/۱). براساس یافته‌های باستان‌شناسی، سلوکیان در این شهرهای خاص یا پولیس‌ها معابدی ساخته‌اند که نمونه‌ی آن‌ها را در غرب ایران

► جدول ۱. کاربرد شهرهای سلوکی به همراه مثال‌های آن‌ها (نگارنده، ۱۳۹۶).

شهرهای با کاربردهای مختلف	نمونه
شهرهای نظامی	آی خانوم در افغانستان
شهرهای بازرگانی-تولیدی	ایکاروس یا فیلکه و انطاکیه پارس (بوشهر کنونی)
شهرهای کشاورزی-تولیدی	شوش
شهرهای سیاسی-اداری (شاهی)	همانند سلوکیه با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت که مرکزیت سیاسی و اداری دولت سلوکیه را برعهده داشته است.
پولیس (شهرهای خاص)	معبد لائودیسه در نهاوند؛ شهر بغستانه در غرب ایران (بیستون کنونی) که ایزیدور خاراکسی از آن نام برده است (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۰: ۱۷) و هم‌اکنون مجسمه هرکول در آن دیده می‌شود.

می‌توان به معبد لائودیسه در نهاوند (اشلومبرژه، ۱۳۸۰: ۴۹۷) و شهر بغستانه در غرب ایران (بیستون کنونی) که ایزیدور خاراکسی نیز از آن نام برده است (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۰: ۱۷) و هم‌اکنون مجسمه هرکول از دوره سلوکی در آن دیده می‌شود.

هلنیسم در سرزمین‌های مفتوحه

تأثیر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سلوکیان در مناطق متصرفی متفاوت بود. در آسیای صغیر که از مدت‌ها پیش از آن زمان یونانی‌ها با آنجا ارتباط داشتند، شدیدتر بود، در حالی که در بین‌النهرین این تأثیر بسیار ضعیف بود. در نواحی غربی ایران به دلیل وجود عقاید دینی و عدم هماهنگی اعتقادات و باورهای یونانی با زرتشتی این تأثیر کمتر به چشم می‌خورد. با وجودی که کوشش‌های زیادی در رابطه با مسائل دینی و تشابهاتی، بین خدایان یونانی و اعتقادات بومیان به عمل آمد، ایرانیان و نیز ساکنان سوریه، زبان و آداب و رسوم خود را حفظ کردند و دگرگونی‌های اجتماعی تنها شامل تغییرات اقتصادی و مسائل شهرسازی و غیره شد؛ اگرچه حاکمان بعدی آن - یعنی اشکانیان - تا مدت‌ها در تداوم فرهنگی یونانی کوشیدند (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۵۶۹). هلنیسم، در واقع نوعی رجعت تمدن یونانی به مبدأ اولیه‌ی آسیایی خود بود. امکانات سیاسی بازرگانی و هنری سیلی از: ماجراجویان، مهاجران، سربازان، دانشمندان، فلاسفه، تجار، نویسندگان و اطباء را از یونان به این نقاط کشاند، ولی با این وجود آسیا و ایران مغلوب غرب و یونان نشد. این تمدن تأثیر خود را در این نواحی به جای گذاشت، اما این تأثیر با وجود گستردگی، پایدار نماند؛ چون اقشار فرودست جامعه تقریباً از این تأثیر برکنار بودند. تمدن ایرانی قدیم‌تر و عمیق‌تر از آن بود که روح خود را تسلیم کند. توده‌های پایین جامعه به زبان مادری خود حرف می‌زدند و راه و روش عادی خود را پیروی می‌کردند و خدایان اجدادی خود را می‌پرستیدند. هرچند طبقه‌ی بالای این تمدن کهن که طبقه‌ی حاکم را تشکیل می‌دادند، مدت زمانی جذب فرهنگ و تمدن یونانی گردیدند اما اکثریت، سلیقه‌ی سنتی خود را داشتند. آن اختلاط نژادی که رؤیایش در سراسکندر و جانشینان وی - یعنی سلوکیان - بود، به وجود نیامد. فرهنگ یونانی در فرهنگ شرقی و ایرانی نفوذ نکرد و برعکس با گذشت زمان، نحوه‌ی اندیشه و احساس شرقی از بُن به قشر یونانیان حاکم نفوذ و توسط همان‌ها به غرب رفت (دورانت، ۱۳۶۵: ۱۲ / ۶۵۴ - ۶۴۶).

درواقع این تمدن با وجود ماندگاری چندین ساله در نظر ایرانیان بیگانه ماند، چون آنان وحدت ملی و زندگانی اجتماعی و اقتصادی خود را که از گذشته‌های دور به دست آورده بودند، حفظ کردند. توده‌ی ایرانی‌ها هرگز در یونانیت غرق نشده، زندگانی

اجدادی خود را حفظ کرد و معتقدات فرهنگی، اجتماعی و از همه مهم‌تر، مذهبی خود را ادامه داد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۸۳). مشرق به مغرب نزدیک نگردید، هرچند در ابتدا مغرب، چندی بر مشرق برتری یافت تا پارت‌ها روی کار آمدند و پس از آن مشرق قدیم به دو بخش تقسیم شد؛ در قسمت غربی تا فرات و در قسمت شرقی به واسطه‌ی زوال سلطه‌ی یونانیان، هلنیسم سست و زائل شد و غربیان در میان شرقیان منحل گردیدند (پیرنیا، ۱۳۴۵: ۲۱۱۹). هر چند تمدن هلنی در شهرهایی که به وسیله‌ی سلوکیان احداث شده بود، وارد گردید؛ ولی در اوضاع رعایا و طبقات پایین جامعه، مانند روستاییان و کشاورزان تأثیر چندانی نگذاشت و حتی تأثیر کمی که بر افراد نزدیک به میدان‌های جنگ و داخل این شهرها گذاشت، به تدریج کم‌رنگ شده و تنها اثرات کمی از آن برجای ماند (سایکس، ۱۳۴۳: ۴۰۶). با توجه به مشکلاتی که در نیمه‌ی دوم عمر سلوکیان به‌ویژه در سرزمین‌های شرقی پیش آمد، جریان پیاده کردن و گسترش یونانیت در شرق دچار سستی گردید. البته سلوکیان در ایران و در مسیر جاده‌ی خراسان (ابریشم) و شمال ایران، از جمله در باختر به مدت نیم قرن موفقیت‌هایی را تجربه کردند. همین وضع در آسیای غربی نیز به وجود آمد و شهرهای یونانی-مقدونی احداث شده که دارای جمعیت زیادی از یونانیان بودند با انحطاط و انقراض دولت سلوکی ضعیف گشته و در ایران به تابعیت دولت پارت و در سوریه و آسیای صغیر و



شکل ۴. پلان شهر سلوکی آی خانوم (// <http://www.civilization.org.uk/wp-content/uploads/Ay-Khanum-map.jpg>)

بخش‌هایی از شمال و مرکز بین‌النهرین به اطاعت رومیان درآمدند و در نهایت دولت مقتدر سلوکی از نظر جغرافیایی و فرهنگی راه زوال را در پیش گرفت (خدادادیان، ۱۳۸۳: ۱۳۳ و ۱۳۵). پارت‌ها به‌عنوان قبایلی صحراگرد، هنگامی که وارد قلمرو سلوکی‌ها شدند و حتی پس از کسب استقلال در حدود سال ۲۴۰ ق.م. قدرت‌های عمده‌ی اطراف آن‌ها یونانی‌مآب بودند که در غرب سلوکی‌ها و شرق دولت یونانی باکتریایی حضور داشتند و قبلاً آنتیوخوس اول (۲۶۱-۲۸۱ ق.م.) با اقدامات قدرتمندانه خود، بار دیگر سلطه‌ی یونانیان را بر سراسر ایران و حتی آسیای مرکزی برقرار ساخته بود. تأثیری که سلوکیان بر فرهنگ و تمدن ایران زمین با توسعه‌ی شهرسازی و ایجاد شهرها در فواصل جغرافیایی دور از هم ایجاد کرده، به‌حدی زیاد بود که با روی کار آمدن اشکانیان به‌عنوان رقبای جدی دولت سلوکی، تا مدت‌های مدیدی مجبور به پذیرش فرهنگ یونانی و استفاده از لفظ فیل‌هلن (یونانی دوست) بر روی سکه‌هایشان بودند و حتی شهر صدرروازه (هکاتوم‌پلیس) به‌عنوان یکی از پایتخت‌های اصلی پارتیان، توسط دولت سلوکیه ساخته شده بود (هرمان، ۱۳۷۳: ۲۷-۲۵). در واقع در سرتاسر قلمرو ایران در این زمان، شهرهایی دیده می‌شد که کاملاً تحت تأثیر هنر و سلوکیان قرار داشت و بدین‌سان قرن‌ها طول کشید تا دولت پارت توانست از زیر نفوذ فرهنگ هلنیستی رهایی یابد؛ بنابراین، هرچند که هدف اصلی سلوکیان از شهرسازی در سراسر قلمرو خویش، تسلط سیاسی-نظامی بوده است اما با گذشت زمان، همین شهرها به‌عنوان نقاطی کانونی برای اشاعه‌ی فرهنگ یونانی‌مآبی از افغانستان و آسیای مرکزی در شرق تا بین‌النهرین و سوریه در غرب بود.

نتیجه‌گیری

سقوط شاهنشاهی هخامنشی به‌وسیله‌ی اسکندر مقدونی پیامدهای تعیین‌کننده‌ای را در سرزمین‌های فتح شده به‌دنبال داشت. سلوکیان که جانشین اسکندر بر متصرفاتش بودند، برای سلطه‌ی قوی‌تر و پیاده کردن اهداف خود در تمامی زمینه‌ها و با تصور این‌که سالیان متمدای در این مناطق حضور خواهند داشت، با احداث شهرهای جدید و در بعضی موارد بازسازی شهرهای قدیم، تغییراتی در ساختار مردم این شهرها اعمال نمودند. از عوامل مهم در احداث این شهرها می‌توان به عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و به‌خصوص عامل فرهنگی اشاره کرد. هلنیسم و رواج آن مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل احداث این شهرها بود. حضور مقدونی‌ها و یونانیان با کوچ‌نشین‌های زیادی که در این قلمرو پدید آمدند، مراکز هلنیسم را اعتبار بخشید و وضع زندگی را در این شهرها تغییر داد. این شهرها با غلبه‌ی فرهنگ هلنیسم روز به روز گسترش یافته و بعدها موج رونق اقتصادی خود را نیز فراهم آوردند. هم‌چنین حضور بازرگانان و سپاهیان یونانی و مقدونی نیز عاملی برای ایجاد شهرهایی شد که با شهرهای گذشته تفاوت‌های عمده‌ای داشتند. این شهرها پایگاه‌های اقتصادی و فرهنگی مهمی برای این سلسله به‌شمار می‌آمدند و حاکمان آن به اهمیت این شهرهای پُرجمعیت و پُرسود پی‌برده بودند و این شهرها از نظر ساختاری شکل یونانی به‌خود گرفتند. از آن پس و با گسترش این شهرها، اهدافی از سوی مقدونیان در زمینه‌ی تغییر فرهنگ مردم از طریق

زندگی شهری دنبال شد که در واقع بخشی از سیاست کلی مبتنی بر تسلط و حضور دائم در این سرزمین‌ها به شمار می‌آمد که اصلی‌ترین این اهداف، گسترش هلنیسم بود؛ بنابراین مهم‌ترین اقدام سلوکیان را می‌توان توسعه‌ی شهرسازی دانست، به طوری که فقط سلوکوس اول (۳۸۱-۳۵۸ ق.م.و) حدود ۷۵ شهر را پی‌ریزی نموده است و این همان سیاست اسکندر مقدونی بود که در زمان سلوکیان نیز تداوم یافت. تمامی شهرهای سلوکی با شکلی یکسان به صورت چهارگوش مربع یا مستطیلی شکل شامل شبکه‌ای شطرنجی از خیابان‌ها و بناها ایجاد شده است. در اطراف خیابان‌های اصلی این شهرها ساختمان‌های اداری-دولتی، معابد، تالارهای ستون‌دار، کاخ، بازار، میدان، سالن تئاتر، حمام و غیره وجود داشته است. شهرهایی نظیر نایسفوروم (رقه کنونی در سوریه)، دورا اوراپوس، نصیبین، ادسا، رگای (ری)، اکباتانا (همدان)، هکاتوم پلیس (صد دروازه، قومس)، مرو، آی خانوم، سلوکیه، شوش (سلوکیه کران ائولایوس)، کنگاور (کنکوبار)، فیلکه (ایکاروس)، بغستانه، باکتريا و غیره است. این شهرها براساس کاربری به شهرهای نظامی، بازرگانی، کشاورزی، سیاسی-اداری (شاهی) و پولیس (شهرهای خاص) تقسیم‌بندی شد.

بنابراین، با وجود دگرگونی‌ها در شیوه‌ی زندگی مردم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این شهرها، فرجام آن برای سلوکیان موفقیت قابل‌ملاحظه‌ای به دنبال نداشت و مردم این شهرها در مقابل این تغییرات مقاومت نموده و به دلیل میل و علاقه‌ی آنان به فرهنگ بومی و تجربیات نیاکانشان بعد از گذشت سال‌ها به حال اول خود برگشتند و در واقع اسکندر و سلوکیان ردپای عمیقی از اهدافی که در سر داشتند را از خود برجای نگذاشتند و فقط در مواردی اندک می‌توان به بقایای آثار تاریخی، هنری آنان در بعضی نقاط اشاره کرد.

پی‌نوشت

۱. اعراب به این شهر «کرخ میسان» و بعدها فقط «ميسان» می‌گفتند، این کلمه در مورد کرخ هنوز به جا مانده است.

کتابنامه

- آقاسی، گیورگیس، ۱۳۵۰، *ایران کهن*، تهران: نشر پدیده.
- اسماعیلی، حسن، ۱۳۹۵، «شهرهای سلوکیان در سواحل خلیج فارس و جنوب ایران»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، سال سوم، شماره‌ی ۱۰، صص: ۲۰-۱۱.
- اشرف، احمد، ۱۳۵۳، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، صص: ۷-۴۹.
- اشلومبرژه، دانیل، ۱۳۸۰، «هنر پارسی»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، جلد سوم-قسمت دوم، ترجمه‌ی حسن انوشه، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص: ۵۵۲-۴۸۷.
- الچیبیگیان، ژاسمن، ۱۳۸۲، *ارمنستان و سلوکیان*، ترجمه‌ی گارون سارکسیان، تهران: نشر نائیری.
- ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۰، *ایستگاه‌های پارسی، کهن‌ترین متن مکتوب جغرافیای*

- ایران باستان، ترجمه‌ی فیروز حسن عزیز، تهران: انتشارات گنجینه هنر.
- ایوانف، م. س.؛ گرانتنسکی، آ. م. آ.؛ داندامایف، گ. آ. کوشنلکو، ۱۳۵۹، تاریخ ایران باستان، ترجمه‌ی سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: نشر دنیا.
- بویس، مری، ۱۳۷۹، تاریخ ایران (پس از اسکندر گجسته)، ترجمه‌ی همایون صنعتی‌زاده، تهران: نشر توس.
- بویل، ۱۳۶۶، تاریخ ایران (از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد سوم، بخش دوم، تهران: نشر امیرکبیر.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۴۵، تاریخ ایران باستان (سلوکی‌ها)، جلد هشتم، تهران: نشر سازمان کتاب‌های جیبی.
- پیگولوسکایا، نیناویکتورو ونا؛ یاکوبوسکی، آ. آیو؛ پطروشفسکی، ای. پی.؛ بلنیتسکی، آ. م.؛ استرویوا، ل. و.، ۱۳۵۴، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
- تقوی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۶۶، معماری شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ ایران.
- جعفری‌دهقی، محمود، ۱۳۹۱، بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان (از ورود آریائی‌ها تا سقوط امپراتوری ساسانی)، تهران: نشر سمت.
- خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۳، تاریخ ایران باستان، جلد اول (آریایی‌ها، مادها، هخامنشیان، سلوکیان)، تهران: نشر سخن.
- خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۳، تاریخ ایران باستان، جلد دوم (اشکانیان و ساسانیان)، تهران: نشر سخن.
- خسرورزاده، علیرضا، ۱۳۹۲، «استقرارها و محوطه‌های اشکانی جزیره‌ی قشم»، مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۵، دوره‌ی سوم، صص: ۱۰۰-۷۹.
- دوران، ویل، ۱۳۶۵، تاریخ تمدن، ترجمه‌ی امیر حسین آریانپور و دیگران، جلد دوم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دیاکونف، میخائیل میخائیلوویچ، ۱۳۵۱، "اشکانیان"، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
- دیاکونف، میخائیل میخائیلوویچ، ۱۳۵۲، تاریخ جهان باستان، ترجمه‌ی صادق انصاری و دیگران، جلد اول، تهران: نشر اندیشه.
- رحمانی، رضا، ۱۳۹۲، تاریخ سرزمین کهن (ایران پیش از اسلام)، جلد اول، تهران: نشر یادداشت.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۴۳، تاریخ ایران، ترجمه‌ی فخرداعی گیلانی، تهران: نشر علمی.
- سلطانزاده، حسین، ۱۳۶۵، مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، تهران: نشر آبی.
- فاروقی، فواد، ۱۳۶۳، مروری بر سرنوشت انسان در تاریخ ایران، تهران: نشر باستان.
- فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۷، میراث باستانی ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گروتز، یورک، ۱۳۷۵، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه‌ی جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- گوتشمید، آلفرد فن، ۱۳۵۶، تاریخ ایران و ممالک همجوار آن (از اسکندر تا انقراض اشکانیان)، با مقدمه‌ای از: نولدکه، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران:

- بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۲، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه‌ی محمد معین، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر، ۱۳۸۱، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و دادوستد»، در: *تاریخ ایران کمبریج: از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمودآبادی، اصغر؛ قائم‌مقامی، محسن، ۱۳۸۸، «بنیاد شهروندی در شهر فرنگ‌های ایران عهد سلوکی»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۴، صص: ۱-۲۰.
- موله، ماریژان، ۱۳۷۱، *ایران باستان*، ترجمه‌ی ژاله آموزگار، تهران: نشر توس.
- میراحمدی، مریم، ۱۳۹۰، *تاریخ تحولات ایران شناسی (پژوهشی در تاریخ فرهنگ ایران در دوران باستان)*، تهران: نشر طهوری.
- میرزا کوچک خوشنویس، احمد، ۱۳۸۵، «دولت شهرآرمانی مفهوم فضای شهری ایران»، *باغ نظر*، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۶، صص: ۱۰۱-۱۱۸.
- میرسعیدی، نادر، ۱۳۸۲، *ایران باستان*، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- میرسعیدی، نادر، ۱۳۸۷، *سلوکیان و اشکانیان*، تهران: نشر ققنوس.
- نیکنامی، کمال‌الدین؛ قاسمی، رضا؛ رضائی، رضوان، ۱۳۹۴، «مطالعه و تحلیل گونه‌شناختی اثرمهرهای دوره‌ی سلوکی»، *مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره‌ی ۹، دوره‌ی پنجم، پاییز و زمستان، صص: ۱۶۲-۱۴۵.
- ولسکی، یوزف، ۱۳۸۳، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر ققنوس.
- هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هوف، دیتریش، ۱۳۷۴، «*نظری اجمالی بر پایتخت‌های ایران از آغاز تا ظهور اسلام*»، ترجمه‌ی فرامرز سمیعی، در: *پایتخت‌های ایران*، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- یارشاطر، احسان، ۱۳۸۷، *تاریخ ایران کمبریج (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان)*، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد سوم، بخش اول، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: نشر امیرکبیر.

- Bevan, E. R., 1884, *House of Seleucus*, London: Edward Arnold.
- Mumford, L., 1968, *The City in History*, London: Secker and Warburg.
- Rostovtzeff, M., 1941, *The social and Economic History of the Ancient World*, England: Oxford.
- Snyder, John, 1966, *Alexander the Great*, New York: Twayne, Publisher.
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Merv>.
- https://de.wikipedia.org/wiki/Datei:Dura_europos_plan.jpg.
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Ctesiphon>.
- <http://www.civilization.org.uk/wp-content/uploads/Ay-Khanum-map.jpg>.